



علامه طباطبائی اجتهاد صحابه در روایات شأن نزول را حجت نمی‌داند

علامه با روایات اسباب نزول مواجهه نقادانه می‌کنند و گونه‌گونی این روایات را ناشی از اجتهاد صحابه دانسته و برآنند که این روایات لزوماً بیان تجربه‌های این افراد در هنگام نزول آیه نیست و از همین روی حجیت و اعتبار ندارند.

علامه با روایات اسباب نزول مواجهه نقادانه می‌کنند و گونه‌گونی این روایات را ناشی از اجتهاد صحابه دانسته و برآنند که این روایات لزوماً بیان تجربه‌های این افراد در هنگام نزول آیه نیست و از همین روی حجیت و اعتبار ندارند.

شادی نفیسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث و نویسنده کتاب «#علامه طباطبائی و حدیث» با موضوع روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان (پژوهش دینی برگزیده سال 81) در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان ویژگی‌ها و نکاتی درباره میراث تفسیر روایی المیزان و نحوه تعامل علامه طباطبائی با روایات فریقین در تفسیر خود پرداخت.

وی پس از ذکر برخی از ویژگی‌های نحوه تعامل علامه طباطبائی در المیزان و نیز معیارهای نقد حدیث از منظر ایشان اظهار کرد: نظرات خاص علامه طباطبائی در بخش روایی المیزان، قواعد و شیوه‌های بهره‌گیری ایشان از روایت و نقد و تحلیل‌های برخی از روایات تفسیری، بحث‌های بسیار مفصل و گسترده‌ای است که علاقه‌مندان می‌توانند برای دستیابی به مطالب تفصیلی، به پژوهش‌های انجام شده در این حوزه مراجعه کنند.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث در باب مواجهه علامه طباطبائی با مسئله گونه‌گونی روایات اسباب نزول عنوان کرد: علامه با استناد به گونه‌گونی روایات اسباب نزول، تحلیل و مبنای خود را در مواجهه با اسباب نزول تبیین می‌کنند و معتقدند که روایات اسباب نزول بعضاً اجتهاد صحابیان است.

وی در تشریح این مطلب بیان کرد: اجتهاد صحابیان بدین معناست که صحابه پس از تطبیق داستان یا واقعه‌ای که با مضمون آیه مشابهت دارد، اجتهاد کرده و آن را با مضمون آیه تطبیق داده و گفته‌اند که این آیه ناظر به این واقعه است و از همین رو این امور در واقع لزوماً بیان تجربه‌های این افراد در هنگام نزول آیه نیست تا بگوییم این‌ها نخست واقعه را دیده و سپس در پی آن، آیه نازل شده است و بر اساس آن، گزارش آنان به عنوان شاهدان نزول، در این موضوع حجیت داشته و از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است.

نویسنده کتاب «#علامه طباطبائی و حدیث» بیان کرد: علامه چنین دیدگاهی نداشته و معتقدند که ما نمی‌توانیم در موضوعات مختلف این مطلب را اصل گرفته و بگوییم که هر جا که صحابیان واقعه‌ای را به عنوان سبب نزول آیه گزارش کردند، ما آن را بپذیریم و قبول کنیم و از همین رو درباره این مسئله اما و چرا پیش آورده‌اند.

به طور کلی می‌توان گفت که علامه گرچه در نقد روایات احتیاط بسیاری دارند، اما با این‌حال نقدهای بسیار جدی و زیادی به روایات دارند و انسان می‌تواند از آن نقدها بهره و الهام گرفته و قاعده بسازد و موارد مانند آن از روایات را نقد کند این محقق و پژوهشگر افزود: اگر این روایات با ظاهر و سیاق آیه تعارض داشت، نمی‌توان آنها را پذیرفت؛ اما اگر همسو و هماهنگ با ظاهر و سیاق آیه بود و برخی مشکلات دیگر را نیز نداشت، قابل پذیرش است؛ یعنی علامه در واقع با روایات اسباب نزول مواجهه نقادانه می‌کنند و بر همین اساس، معتقدند که در بسیاری از این موارد، روایات سبب نزول، تطبیقی است که از سوی صحابه درباره این وقایع و آیات انجام داده‌اند و اجتهاد ایشان بوده است.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث در پاسخ به این سؤال که مواجهه علامه با روایات تفسیری در المیزان بیشتر نقادانه است یا توجیهی، تصریح کرد: با مرور کلی در این موضوع می‌توان گفت که علامه در اغلب مواضع، تحلیل یا نقادی ندارند و در برخی موارد واقعاً با احتیاط بسیار بالایی برخورد می‌کنند.

وی ادامه داد: از جمله مواردی که احتیاط ایشان بسیار زیاد است، در زمینه آیاتی است که در حق ائمه تأویل شده‌اند و شاید در این موارد، انسان بیش از مواضع دیگر، انتظار دارد که علامه یا آن را نقد کنند و یا تحلیل قوی‌تری از آن ارائه دهند و صرف این‌که آن را «#جری» بدانند کفایت نکرده و خواننده را راضی نمی‌کند؛ به‌ویژه آن‌که در برخی از این موارد، این روایات نه با ظاهر آیه سازگار است و نه علامه، توجیه پذیرفتنی‌ای برای آن ارائه می‌دهند و نه این که سند استواری دارد.

نفیسی در تکمیل این مطلب اضافه کرد: در مواضع دیگر علامه اگر روایتی را می‌پذیرند که سند روایت مشکل دارد، متن آن روایات را به‌نوعی تفسیر می‌کنند که با آیات سازگار و قابل دفاع یا قابل توضیح و توجیه باشد. اما در بخشی از روایات، خصوصاً روایاتی که آیات را در حق ائمه (ع) تأویل می‌کند، این هماهنگی با ظاهر آیات نیز احراز نمی‌شود.

نویسنده کتاب «#علامه طباطبایی و حدیث» در توضیح این مطلب گفت: این امر بدان معناست که علامه در برخی از این موارد با آن‌که روایت چندان قابل توضیح نیست و حتی سند نیز مشکل دارد، نقادی نمی‌کنند و تحلیل چندان روشنی نیز از روایت ارائه نمی‌دهند و به همین اکتفا می‌کنند که بگویند، روایت از نوع «#جری و تطبیق» است که در هر صورت در ظاهر به نظر می‌رسد که جای نقد داشته باشد.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: به طور کلی می‌توان گفت که علامه گرچه در نقد روایات احتیاط بسیاری دارند، اما با این‌حال نقدهای بسیار جدی و زیادی به روایات دارند و انسان می‌تواند از آن نقدها بهره و الهام گرفته و قاعده بسازد و موارد مانند آن از روایات را نقد کند.

وی خاطرنشان کرد: علامه از جهت سند، به هیچ‌وجه روایات را کنار نمی‌گذارند و متن آن را اصل قرار می‌دهند. البته ایشان در بسیاری از موارد نیز سکوت کرده‌اند، اما همان مقداری نیز که به نقد و تحلیل روایات پرداخته‌اند، بسیار بیشتر از دیگران است.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث در پایان سخنان خود گفت: بزرگان و علمای معاصر ما که بعد از علامه آمده‌اند و به بسیاری از این نواقص واقف بوده‌اند، لزوماً این کاستی‌ها را به صورت جدی جبران نکرده و شاید در مواردی به اندازه علامه نیز نقادی نکرد باشند و این امر نشانگر آن است که در این زمینه نیاز به کار بیشتری است و البته قطعاً ملاحظاتی در کار بوده که این علمای بزرگوار با احتیاط در باب این موضوع سخن گفته و داوری کرده‌اند.